

متن پرسش

سلام علیکم استاد طاهرزاده بزرگوار: ان شاء الله در پرتو عنایات حضرات معصومین خصوصاً در این ایام متعالی رجبیه باشید. استاد عزیز به تلقی حضرتعالی، سزّ اینکه برخی افراد و اشخاص حتی پاره ای از دلسوزان و دغدغه مندان به انقلاب، در نگرش و تحلیل کلان از وضعیت انقلاب اسلامی و کشور با نوع تحلیل و نگاه رهبر فرزانه انقلاب، تفاوت دارند و تمایز جدی احساس می‌شود؟ حقیقتاً با ملاحظه برخی تحلیل‌های حتی برخی دوستان دلسوز و دغدغه مند، انسان احساس می‌کند و دریافت می‌نماید که انقلاب کلاً منحرف و از دست رفته است و کشور از صدر تا ذیل درگیر تعارض، انسداد، فساد و پوک شدگی است و جمیع مسئولان و متولیان، جاهل و بی‌انگیزه و خائن به آرمان‌ها و عموم اجتماع نیز بحران زده و مبتلا به انواع نابسامانی‌ها و لطمات دهشتناک و رویگردان از دیانت و مکتب وحی هستند و بواقع مانند همان تعبیر نامه نهضت آزادی در سال ۱۳۶۹، کشور در لبه پرتگاه و انقلاب در حال پوسیدگی و مردم نیز در حال شکستن قفس جمهوری اسلامی هستند. اما ملاحظه می‌کنیم که در طرف مقابل، زعیم بزرگوارمان خاصه در این سالیان اخیر، چه میزان مؤمنانه و امیدوارانه و بشارت بخش سخن می‌گویند تا آنجا که به تلقی بنده، بعنوان نقطه عطفی در سخنان چند ساله اخیرشان، فرمودند که ما فصل مشبعی را پشت سر نهادیم و اینک نزدیک قله ایم و تا قله فاصله چندانی نیست. در این یکساله ای که بحمدالله بیشتر توفیق مطالعه مجموعه بیانات معظم له در طول این چند ساله را داشته‌ام، تفاوت عمیقی بین تحلیل و موضع‌گیری و حتی نوع آسیب‌شناسی ایشان از معضلات و امید و مزده سرشار در بیانات ایشان با نگرش‌های حتی شاید خود بنده پیش می‌آید. سخنرانی‌ها و پیام‌های آقا را که مشاهده و مطالعه می‌کنم، می‌بینم در عین اینکه ایشان نیز آسیب‌شناسی و تصریح به معضلات و فاصله تا تحقق نقاط مطلوب و آرمان‌ها و برشمردن موانع دارند ولی آسیب‌شناسی ایشان و کسی مثل بنده کجا و انسان هرگز پس از پایان سخنان ایشان، احساس یأس و سردرگمی و یوچی و از دست رفتن همه داشته‌ها و آرمان‌ها نمی‌کند بلکه والله امیدوارتر و پیرانگیزه‌تر از قبل می‌شود و افتخار و عزت از مسیر انقلاب پیدا می‌کند و بوضوح می‌یابد که مؤلفه‌های مزده بخش، چه میزان وسیع و بیش از تلخی‌ها و صعوبت‌ها است. دیشب این کلیپ را شاید چند بار دیدم (<https://eitaa.com/rasae/12299>) و هر دفعه که آنرا دیدم با خود گفتم "ما کجاییم در این بحر تفکر تو کجا". احساس کردم گویا ایشان جوانی ۸۴ ساله و بنده پیرمردی ۲۱ ساله هستم و این مرد گویا از فراز دکل دیدبانی، اراده و آینده‌ای بس شگفت را برای این ملت و نهضت می‌بیند و لذا حس می‌کنم بر همین اساس هم ایشان، بزرگترین رسالت خود را در حفظ اراده‌ها و جهت‌دهی امت بسوی

ورود در آینده و تاریخی دیگر است. این سخن حضرتعالی که بارها می‌فرمودید تاریخ و افق دیگری در بستر انقلاب اسلامی است را بارها شنیده بودم اما این روزها در عمق روحیه و بیانات حضرت آقا بهتر و دقیق تر این حرف را می‌یابم. اما حقیقتاً هنوز برایم جای سؤال است که چرا بعضاً در این بحر تفکر، با دیده بان این حرکت عظیم، تفاوت داریم و گزاره نزدیک به قله ایم، برایمان گنگ است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این که افراد مذهبی را متهم می‌کنند که نسبت به رخدادها، تفکر تاریخی ندارند؛ اتهامی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. و این جا است که انقلاب اسلامی را به عنوان رویدادی تاریخی که ریشه در گذشته‌ای اصیل برای حضور در آینده‌ای بزرگ دارد، درک نمی‌نماییم. و وقتی متوجه نباشیم انقلاب اسلامی آغاز توحیدی است اصیل در مواجهه با جهان جدید و بشر جدید؛ هرگز نمی‌توانیم در افقی که رهبر معظم انقلاب با بصیرت خود متذکر آن می‌شوند، حاضر گردیم. کافی است شکست‌های همه‌جانبه جبهه استکبار را در نسبت با انقلاب اسلامی «فهم» کنیم تا معنای سخن مقام معظم رهبری را نسبت به امیدواری‌های بزرگ ایشان دریابیم. دشمنی که همه حیل‌های شیطانی‌اش را به کار گرفته، ولی در نهایت یأس و ناامیدی است. حال مائیم و حاضر شدن در آغازی که همه‌چیز و به‌خصوص انسان، در حال برگشت به حقیقی‌ترین معنای خود است. و لازمه این نحوه حضور، همان درک تاریخی است از رخدادی به نام انقلاب اسلامی. و در این بصیرت است که نه تنها می‌توان نگاه و سخنان رهبر معظم انقلاب را تصدیق کرد، حتی می‌توان در افق نگاه او حاضر شد، حضوری که معنای بودنِ امروزین ما را به ما برمی‌گرداند تا از چنگال نیهیلیسم دوران آزاد شویم، **إن شاء الله. موفق باشید**